

منطقه داشت، لذا سرمایه‌داری از آن استفاده کرد و اسرائیل را شکل داد، بنابراین من اسرائیل را امتداد نظام سرمایه‌داری جهانی یا همان تمدن غرب می‌دانم و به همین دلیل معتقدم سنخ نزاع ما با اسرائیل تمدنی است. بلکه شنبیدن صدای مظلوم در هر جای دنیا انسان را برآشفته می‌کند اما پشتیبانی ما از فلسطین صرفاً به دلیل دفاع از مظلوم نیست. فلسطین نقطه نزاع اسلام و غرب است، فلسطین نقطه نزاع حق و باطل است. به همین دلیل است که اگر ما بتوانیم تنها امنیت اسرائیل را به خطر بیندازیم، توانسته‌ایم امنیت سرمایه‌داری جهانی را دچار چالش کنیم.

پس به طور خلاصه من تا اینجا ۲ نکته را عرض کردم. نخست آنکه نظم‌های جهانی با تغییر محور تمایلات شکل می‌گیرند و دوم اسرائیل پیشانی نظم سرمایه‌سالارانه‌ای است که غرب پس از جنگ دوم جهانی در دنیا به وجود آورده و مهم‌ترین رقیب این نظم نیز به باور من اسلام است. باید توجه کنید سرمایه‌داری مدام تلاش دارد از طریق ایجاد جذابیت در کالاها و محصولات خود، با افزایش سرعت، با خلق تنوع و تکثر، تمایلات را به سمت خود بازگرداند.

■ با این ۲ مقدمه اکنون پرسش این است: توفان الاقصی چگونه می‌تواند ما را به دوره پسا آمریکا و نظم جدید نزدیک کند؟

آنچه در ماجرای نسل‌کشی غزه رخ داد این بود که ملت‌های دنیا نسبت به روی خشن نظام سرمایه‌داری آگاه‌تر شدند. همه نظر سنجی‌ها گویای آن است که مردم با داستان غزه همدلی بسیار بیشتری داشته‌اند. در واقع دستگاه تبلیغاتی و ارتش مجازی خشن اسرائیل در رساندن پیام خود به مردم دنیا شکست خورد. پیام اسلام که پیام معنویت، آزادی خواهی و عدالت‌طلبی است به واسطه پیام فلسطین به دنیا منتقل شد. آمریکا آبرویی را که طی سال‌ها ذره ذره جمع کرده بود یک‌شبه پای اسرائیل ریخت. این هزینه حیثیتی که آمریکا پای نسل‌کشی غزه پرداخت کرد به مراتب بیشتر از هزینه اقتصادی و مادی این جنگ است. تا دیروز در ایران و چند کشور مسلمان دیگر ممکن بود علیه اسرائیل تظاهرات کنند اما این موضوع شگفتی است که در کشورهای اروپایی، در آمریکا و یا حتی کشوری مانند استرالیا مردم علیه اسرائیل تظاهرات گسترده برگزار می‌کنند. این موضوع به آن دلیل است که پیام غزه با فطرت‌های انسانی سازگار است. انسان‌ها کشتار را بر نمی‌تابند. هنر نظام سرمایه‌داری در واقع این بوده که خوی خشن خود را مخفی کند و بگوید من بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی می‌خواهم به دنیا کمک کنم. هنر او بحث از حقوق بشر و فراگیر کردن آن است. همین موضوع انسان‌ها را به سمت آنان متمایل می‌کند. حالا با حادثه نسل‌کشی غزه آن روی دیگر سکه نظام سرمایه‌داری بدون پرده عیان شده است. این خونریزی را دیگر نمی‌شود هیچ‌گونه بزک کرد.

■ آیا این رخداد می‌تواند رفتار دولتمردان منطقه را نیز عوض کند؟

برخی معتقدند پس از فروکش کردن خاکستر جنگ، مجدد دولت‌های عربی به سمت سازش می‌روند. من پیش‌بینی دقیقی نمی‌توانم بکنم اما حداقل می‌شود گفت اگر به این سمت بروند باید هزینه‌های بسیار گزاف‌تری را بپردازند. امروز اینها حتی مجبور شده‌اند به صورت زبانی اسرائیل را منکوب کنند. از طرف دیگر مردم منطقه با این جنگ آگاه‌تر شدند. خیزش‌های مختلف در اردن، عراق و... قابل تحسین است. همه اینها بازگشت به همان معنایی است که ابتدا گفتم یعنی ما داریم به سمت تغییر در محور تمایلات بشری پیش می‌رویم. هنگامی که مردم از سرمایه‌داری رو بگردانند نظم موجود نیز از بین خواهد رفت. با این توضیح است که می‌گویم توفان الاقصی این ظرفیت را کاملاً دارد که نظم جهانی را دچار دگرگونی کند.

■ اگر در آخر نکته‌ای را می‌خواهید اضافه کنید استفاده خواهیم کرد.

به عنوان مطلب آخر باید بگویم قطعاً نظام سرمایه‌داری نیز بیچار نخواهد نشست. آنها نیز تمام تلاش خود را برای بزک چهره خود و بسط مجدد سرمایه‌داری خواهند کرد اما اگر در برابر این سفاکی‌ها ملت‌های مسلمان مقاومت کنند، این وعده خداوند است که پیروز خواهد شد. خداوند در آیه ۳۰ سوره فصلت می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ». قطعاً در صورت صبر و استقامت بر اسلام و مقاومت تلاش‌های نظام سرمایه‌داری ناکام مانده و پیروزی متعلق به ملت فلسطین خواهد بود.



گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر علیرضا پیروزمند، مسؤول مرکز تحقیقات فرهنگستان علوم اسلامی درباره تبعات تمدنی توفان الاقصی

فلسطین، آغازی بر پایان آمریکا

نسل‌کشی غزه دل‌های آگاه جهانیان را از نظام سرمایه‌داری روگردان کرده است
همین موضوع منجر به تحمیل هزینه حیثیتی جبران‌ناپذیر بر تمدن غرب شده است

◆◆◆
هنگامی که محور تمایلات بشری تغییر کند نظم جهانی نیز تغییر می‌کند. مبتنی بر این سخن باید گفت امروزه عالم بر ۲ محور حق و باطل پیش می‌رود. نظام سرمایه‌داری و اسلام دو محور مذکور هستند که جابه‌جایی نظم جهانی تنها در صورتی ممکن می‌شود که تمایلات بشری از سرمایه‌داری رو گردانده و به سمت اسلام بیاید

جنگ روشن‌تر شود. رژیم صهیونیستی کیست؟ آیا اسرائیل یک دولت غاصب است که پروژه‌های دینی را پیش می‌برد؟ آیا اسرائیل بر محور قوم یهود پیش می‌رود؟ به باور من خیر؛ این‌گونه نیست. حتی خود قوم یهود نیز بازی خورده اسرائیل است. بلوک غرب پس از جنگ دوم جهانی از آنجا که خود را مالک عالم می‌دید، به دنبال تقسیم آن برآمد. منطقه غرب آسیا از جهات مختلف برای آنان دارای اهمیت بود؛ وجود نفت، گاز، موقعیت بسیار استراتژیک که منطقه را به نوعی لولای شرق و غرب عالم کرده است و از طرف دیگر وجود دین اسلام منجر به توجه بسیار ویژه غرب به این منطقه شد. سرمایه‌داری در حقیقت برای بسط خود اسرائیل را به عنوان یک پایگاه مستحکم طراحی کرد تا از طریق آن در منطقه فتنه‌انگیزی کند لذا اسرائیل را باید در امتداد سرمایه‌داری که محور نظم جهانی غربی است فهم کرد. با این توضیح قوم یهود نیز بازی خورده سرمایه‌داری است.

■ مگر نه اینکه همین سرمایه‌داری جهانی ابتدا بر سرمایه‌داران یهودی دارد؟ چگونه این سخن را می‌فرمایید؟

مردم من از قوم یهود سردمداران آن نیستند. بلکه رهبران و سردمداران یهود، همگی در لایه سرمایه‌داری جهانی حضور دارند اما مراد من از بازی خوردگان یهود مردم آن هستند که برای اکرام عقاید خود به این منطقه مهاجرت می‌کنند.

باید توجه کنید سرمایه‌داری دارای یک خصلتی است که از ویژگی‌های هر قومی برای گسترش خود استفاده می‌کند. قوم یهود به صورت تاریخی علقه زیادی برای زیست در این

برخی معتقدند توفان الاقصی و حوادث بعد از آن را نباید در سطح داخلی فلسطین یا حتی منطقه دید، بلکه این رخداد پتانسیل آن را دارد که آغازی بر خلق نظم جدید در جهان شود. یکی از متفکران که در این سطح با قضیه فلسطین مواجه شده و تلاش دارد آن را در قالبی تمدنی به بحث بگذارد، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علیرضا پیروزمند، مسؤول مرکز تحقیقات بنیادین فرهنگستان علوم اسلامی و مدیر گروه مدیریت راهبردی - فرهنگی دانشگاه عالی دفاع ملی است. «وطن امروز» در گفت‌وگو با ایشان پیرامون ابعاد این نظر به بحث و تبادل نظر پرداخت.

■ به عنوان مساله نخست می‌خواستم عرض کنم در مباحث شما این موضوع وجود دارد که فلسطین می‌تواند آغاز شکل‌گیری نظم جدید بوده و تمدن غرب را به چالش بکشد. لطفاً این موضوع را تبیین کنید.

برای توضیح این معنا لازم است ابتدا دیدگاه خود پیرامون چگونگی نظم جهانی را توضیح دهم. سوال در واقع این است: چگونه یک نظم جهانی به وجود می‌آید؟ در پاسخ باید گفت به وجود آمدن یک نظم مبتنی بر تغییر محور تمایلات بشری است. در واقع هنگامی که محور تمایلات بشری تغییر کند نظم جهانی نیز تغییر می‌کند. مبتنی بر این سخن باید گفت امروز عالم بر ۲ محور حق و باطل پیش می‌رود. نظام سرمایه‌داری و اسلام دو محور مذکور هستند که جابه‌جایی نظم جهانی تنها در صورتی ممکن می‌شود که تمایلات بشری از سرمایه‌داری رو گردانده و به سمت اسلام بیاید. برای توضیح بیشتر این مضمون باید نسبت میان اسلام و اسرائیل را شرح دهم تا جایگاه این